

اتین ژیلسون

هستی در اندیشه فیلسوفان

مترجمان: سید حمید طالب زاده و محمدرضا شمشیری

با مقدمه دکتر کریم مجتهدی

www.ketab.ir



انتشارات حکمت
تهران، ۱۴۰۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Etienne Gilson,
Being and Some Philosophers,
Pontifical Institute of Mediaeval Studies, 1949.



سرشناسه: ژیلسون، اتین، ۱۸۸۴-۱۹۷۸ م.، Gilson, Etienne

عنوان: هستی در اندیشه فیلسوفان

نویسنده: اتین ژیلسون | مترجمان: حمید طالب‌زاده، محمدرضا شمشیری

مشخصات نشر: تهران، حکمت، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۴۰۸ صفحه

شابک: 978-964-8713-26-8

عنوان اصلی کتاب: Being and some philosophers

یادداشت: کتاب‌نامه -- نمایه

موضوع: هستی‌شناسی

شناسه افزوده: طالب‌زاده، حمید، ۱۳۳۷-، مترجم

شناسه افزوده: شمشیری، محمدرضا، مترجم

شناسه افزوده: مجتهدی، کریم، ۱۳۰۹-، مقدمه‌نویس

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹۵۵ ۳۳۱/۷ BD

رده‌بندی دیویی: ۱۱۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۳۱۴۰۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



www.ketab.ir

نشانی دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انجمن، پلاک ۱۵، پوشتالو، شماره ۹۴
کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵ • تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲ | ۶۶۴۶۱۵۸۷۹ • فاکس: ۶۶۴۰۶۵۰۵

www.hekmat-ins.com ☎ | ✉ info@hekmat-ins.com

hekmatpub 📠 📞 09394402251

هستی در اندیشه فیلسوفان

اتین ژیلسون	نویسنده:
سید حمید طالب زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)	مترجمان:
محمدرضا شمشیری	
حسن کریم زاده	طراح جلد:
ششم ■ ۱۴۰۳ شمسی ■ ۱۴۴۶ قمری	نوبت چاپ:
۲۲۰ نسخه	شمارگان:
۹۷۸-۹۶۴-۸۷۱۳-۲۶-۸	شابک:
مؤسسه فرهنگی-هنری حکمت	حروفچینی و صفحه آرایی:

© (کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات حکمت است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

۴۱۹۰۰۰۰ تومان



فهرست

۹	یادداشت ناشر.....
۱۱	مقدمه.....
۱۹	پیشگفتار مترجم.....
۲۷	دیباچه.....
۳۴	یادداشت‌های دیباچه.....
۳۵	فصل اول: هستی و واحد.....
۹۷	یادداشت‌های فصل اول.....
۱۰۱	فصل دوم: هستی و جوهر.....
۱۵۳	یادداشت‌های فصل دوم.....
۱۵۷	فصل سوم: ماهیت و وجود.....
۲۱۷	یادداشت‌های فصل سوم.....
۲۲۱	فصل چهارم: وجود در برابر هستی.....
۲۹۱	یادداشت‌های فصل چهارم.....
۲۹۷	فصل پنجم: هستی و وجود.....
۳۴۹	یادداشت‌های فصل پنجم.....
۳۵۳	فصل ششم: شناخت و وجود.....
۳۹۵	یادداشت‌های فصل ششم.....
۳۹۹	نمایه.....

مقدمه

اتین ژیلسون (متولد ۱۸۸۴ - متوفی ۱۹۷۸)، فیلسوف و مورخ بزرگ فرانسوی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۲ به تدریس «فلسفه در قرون وسطی» در دانشگاه سوربن پاریس پرداخته و بعد به نحو رسمی، کرسی استادی این درس را در «کُلژ دو فرانس» مرکز بزرگ علمی کشور فرانسه، به دست آورده است. او همچنین در سال ۱۹۲۹ از بنیانگذاران مؤسسه کلیسایی مطالعات در تفکر قرون وسطی در شهر تورنتو کانادا بوده و در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شده است.

لازم است گفته شود که افزون بر تخصص علمی سطح بالا، ژیلسون همچنین به سبب ایمان راسخ و تعهدات دینی خود، عملاً یکی از رهبران اصلی نهضت احیای فلسفه توماس آکوینسی، در کلیسای رومی مسیحی بوده است. او بیش از چهل کتاب و تعداد زیادی مقاله به زبان فرانسه و انگلیسی دارد و البته خود مستقیماً به زبان انگلیسی نیز می‌نوشته است. در میان استادان بزرگ قرن بیستم - اعم از فرانسوی یا غیر - کمتر کسی به اندازه ژیلسون توانسته است تبحر و وسعت اطلاعات واقعاً استثنائی خود را با دقت علمی و صلاحیت اخلاقی در امر تحقیق و تجسس هم آهنگ نماید، به نحوی که حتی تعهدات دینی او، مانع از حفظ انصاف و

تعادل در موضع‌گیری‌های اجتناب‌ناپذیر او نمی‌گردد. از این لحاظ ژیلسون نه فقط یکی از اولین کسانی است که به خوبی تأثیر سازنده افکار فلاسفه بزرگ مسلمان چون فارابی و خاصه ابن سینا را در نزد متکلمان غربی نشان داده، بلکه افزون بر آن با مقایسه افکار آنها با سنت‌های یونانی، بر جنبه بدیع و بسیار عمیق تفکر خاص آنها نیز کاملاً تأکید کرده است. او همچنین از این رهگذر نشان داده که کلاً سنت‌های فکری و مراحل تکوینی آنها در قرون وسطای مسیحی، برخلاف آنچه به نحو متداول و سطحی بعد از تجدید حیات فرهنگی غرب (رنسانس) و خاصه بعد از قرن هیجدهم، تصور می‌شده، عمیقاً فعال و در کار بوده و در واقع ریشه اصلی تمام تحولات بعدی فرهنگ غربی بوده است. به عقیده او - به حق - اگر از محل تکوینی تفکر غربی در قرون وسطی صرف‌نظر کنیم، دیگر هیچ رابطه و فکری میان تفکر در عصر جدید و معاصر با دوره باستان نمی‌توانیم برقرار سازیم. اولین لحاظ نه فقط مثلاً مفهوم «اختیار» در نزد دکارت ریشه در کلام نوع قرون وسطائی دارد و رابطه فکری لایب‌نیتس و توماس آکوینسی غیر قابل انکار است، بلکه پیوند اصالت تسمیه و مادی مسلمان متأخر نیز به نحو محرز از تفکر ابن رشدیان لاتینی که خود جنبه‌ای از تفکر آن عصر را نمایان می‌سازند، عمیقاً استفاده کرده‌اند. از این لحاظ با مطالعه بعضی از آثار ژیلسون - خاصه با دقت در جزئیات و اشاراتی که او در جای جای نوشته‌های خود می‌آورد - می‌توان متوجه شد که او محقق نیست که فقط مجموعه‌ای از اطلاعات را - که البته وسعت آن استثنائی است - جمع‌آوری و طبق نظر فرانسیس بیکن، مانند «مورچگان» بر روی هم انباشته باشد، بلکه با بررسی و تأمل عمیق در این اطلاعات بیش از پیش بر قدرت فلسفی ذهنی خود افزوده است، به نحوی که مطالبی که او در فلسفه جدید در مورد دکارت و یاکانت و خاصه در فلسفه‌های «قیام ظهوری» (اگزیستانس) می‌گوید، بسیار عمیق‌تر و

آموزنده‌تر از مطالبی است که بعضی از متفکران متأخر - با وجود شهرت کاذب روزنامه‌ای خود - عنوان کرده‌اند.^۱ از این لحاظ با اطمینان می‌توان گفت که تبحر در نزد ژیلسون محدود به دوره خاصی از تاریخ نمی‌شود و اصلاً در واقع صرفاً از نوع تاریخی نیست. تبحر در نزد او عین توسعه فوق‌العاده ذهن خلاق اوست؛ منظور اینکه ژیلسون در درجه اول یک فیلسوف است، آن هم نه فقط به عنوان متخصص فلسفه و کلام در قرون وسطی، بلکه نظر او به تاریخ از هر نوعی که باشد صرفاً جنبه فلسفی دارد. به نحوی می‌توان گفت که تبحر در نزد ژیلسون فقط در جهت تثبیت افزایش قدرت و خاصه اصالت تعمق اوست، چه تفکر فقط در کوشش در فعل توسعه خود اعتبار می‌یابد، ضمن اینکه البته بیش از پیش از تبحر نیز باید تغذیه کند. دقت در تاریخ فلسفه منجر به کشف فعلیت انکارناپذیر افکار می‌شود که خود چیزی جز قصد و اراده برای شرکت در حماسه ذهنی انسان نیست. اولین و مگذر نه فقط شأن حضوری انسان در این جهان خاکی به اثبات می‌رسد، بلکه گرایش‌های عمیق فرهنگی و روحی او نیز بیش از پیش - با وجود محدودیت‌های معلّم او - کاملاً موجه به نظر می‌آید.

کتاب حاضر با عنوان فارسی «هستی در اندیشه فیلسوفان» برای اولین بار به سال ۱۹۴۸ در کانادا منتشر شده است ولی همانطوری که در مقدمه آن آمده، به یک باره نوشته نشده بلکه کلاً از قسمت‌هایی تشکّل یافته که به مرور آماده گردیده‌اند. به هر ترتیب انتشار آن به دوره‌ای تعلق دارد که ژیلسون بیش از شصت سال داشته و تجربه‌های زیادی اعم از تحقیق و

۱- می‌توان در این مورد به مقاله‌ای از ژیلسون اشاره کرد که درباره «اگزستانسیالیسم» نوع سارتر نوشته و نشان داده که از طریق آن یک بار دیگر نوعی فلسفه «اصالت ماهیت» خود را - به ناحق - جایگزین فلسفه «اصالت وجودی» کرده است (این مقایسه ضمیمه کتاب «وجود و ماهیت» l'être et essence او منتشر شده است)

تدریس را پشت سر گذاشته و تسلط همه جانبه نسبت به مطالب پیدا کرده بوده است. او موفق می شود خواننده احتمالی خود را فراتر از منطوق ظاهری مطالب ببرد و با آشنا کردن او با گوشه و کناره های ناشناخته و نانوشته مسائل، امکان دریافت و فهم آنها را - در درجات بسیار عمیق تر از حد متداول - فراهم آورد، به نحوی که در انتها به نظر می رسد که به مرور وسعت و عمق و معلومات مؤلف به نحوی در افق ذهنی خواننده - بدون اینکه او از ابتداء متوجه باشد - انعکاس یافته که همین را شاید بهترین ضابطه و ملاک برای ارزیابی یک اثر اصیل فلسفی باید دانست و آن هم به دلیل بسیار ساده ای که کلاً اگر فلسفه ایجاد تأمل و تفکر نکند، اصلاً نمی تواند فلسفه به حساب بیاید.

کتاب حاضر از شش فصل تشکیل شده که براساس عناوین مختلف آنها می توان با جزئیات بیشتر با آنها آشنا شد. ضمناً باید دانست که مترجم برای تفهیم افکار مؤلف در زبان فارسی به تفاوت های معنایی میان اصطلاحات «هستی»^۱ و «وجود»^۲ و «وجود»^۳ قایل شده که خواننده احتمالی باید از ابتداء به این تفاوت ها توجه داشته باشد و الاً مثلاً عناوین فصول چهارم و پنجم یعنی «وجود در برابر هستی» و «هستی و وجود»، مبهم و غیر قابل فهم باقی خواهد ماند. البته در تمام این فصول، به نحوی نظر اصلی معطوف به مسأله «هستی» و «وجود» است، زیرا در هر صورت هستی در هر چیزی وجود دارد و آن رکن نهائی واقعیت تلقی می شود و به همین سبب هر بار نسبت آن با یکی از مفاهیم مهم فلسفه عمومی - که معمولاً مستقل نیز مطرح و بحث می شوند - مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است، مثلاً در فصل اول و دوم «هستی و واحد» و «هستی و جوهر» و غیره...

آنچه در مجموع از لحاظ روش کار مؤلف واقعاً جالب توجه است، برقراری نوعی تعادل سازنده میان «تبحر» و «تأمل» - شاید حتی بتوان گفت «ایراث» و «ابداع» - است که در نزد کمتر استادی در این مورد به اندازه ژیلسون چنین مهارتی دیده می‌شود. منظور، همانطوری که قبلاً نیز اشاره کردیم، نحوه بسیار خاص استفاده ژیلسون از تاریخ فلسفه و گوشه و زوایای پنهانی آن است که گاهی به سهولت دریافت نمی‌شوند و یا در مظان تحریف قرار می‌گیرند. ژیلسون خود، در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که ممکن است «چه بسا مرتکب اشتباهات تاریخی شده باشد، اما مرتکب اشتباه مهلک جایگزینی تاریخ به جای فلسفه نشده است زیرا تنها تعهد تاریخ فهمیدن و فهماندن است؛ در حالی که فلسفه، باید انتخاب کند و التفات به تاریخ برای دلایلی که مؤدی به یک انتخاب می‌شود، دیگر تاریخ نیست، بلکه فلسفه است»؛ او همچنین اعتقاد دارد که از تاریخ پرسیده می‌شود که چه می‌گوید؛ وای اینکه معین شود چه باید باشد.

البته کتاب حاضر به معنای متداول کلمه تاریخی نیست، ولی از هر کتاب تخصصی دیگر در این زمینه به بعد این وجه از مثالهای تاریخی استفاده شده است و با عمق و درایت خاصی از این مسأله بحث به میان آمده است. مهم‌تر اینکه به جای نقل قول‌های ساده، مطالب براساس حرکت جوهری «تفکر»، از متفکری به متفکر دیگر، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نکات بسیار بدیعی در این زمینه عنوان شده است.

مثلاً در فصل اول، ژیلسون با استادی، نحوه گذر تفکر را از موضع پارمیندس به نظرگاه افلاطون شرح داده و از او به افلوپین و افلاطونیان متأخر از جمله به ابرقلس - با وجود تفاوت‌های زیربنائی انکارناپذیر - رسیده است. همچنین حتی گاهی تبحر را کاملاً با تعهد خود همراه کرده، اشاره به موضع متفکران رسمی مسیحی چون اگوستینوس و توماس آکوینسی می‌کند، بدون اینکه در هیچ مورد مصادره به مطلوب کرده

باشد.

از این لحاظ خواننده، ضمن تحسین قدرت تخصصی مؤلف، - حتی اگر با او موافق نباشد - به این فکر می‌افتد که شاید در فلسفه، به معنایی به جای ضابطه حقیقت و خطا، بهتر است ضوابطی در نظر گرفته شود که از سطحی اندیشی شروع شده و در طیفی از درجات به تعمق و تأمل هرچه بیشتر می‌رسد، زیرا فلسفه در واقع همیشه بازگشت به فلسفه و ادامه راه آن است و یا حتی همانطوری که از قدیم تصور کرده‌اند، آن فقط شکوفائی آغازین جاودان خرد است. زیرا تفکر فلسفی مستلزم تعاکس اجتناب‌ناپذیر میان افکار مختلف است و در این مهم، نه الزاماً تقابل مطرح است و نه حتی صرفاً تعامل، بلکه در اینجا انعکاس بیشتر به معنای اشراف به امکانات ذهن انسان و در جهت ارزیابی آنهاست. تفکر از این لحاظ به ناچار همیشه «تفکر و ادامه آن است؛ از این لحاظ «عشق به حکمت» همان اتکاء و ایمنی به تفکر است و مادامی که این شعله درونی فروزان است، امید بر هر نوع بیم و هراس فائق می‌آید و ادامه راه همان مطلوبی تلقی می‌شود که به نحو اجتناب‌ناپذیر ادامه آمده است. حفظ طراوت آغازین تفکر، ضامن اصالت آن و صلاحیت انکارناپذیر اراده‌ای است که برای نیل به آن، کمر همت بسته است. به همین علت در جامعه‌ای که فلسفه شأن و منزلت اصلی خود را کسب نکرده است، هیچ رشته دیگری نیز به معنای واقعی فعلیت نخواهد یافت، زیرا عدم توجه به فلسفه دلالت بر این دارد که اصلاً ذوق به تحقیق و تفحص فروکش کرده است و پژوهش - حتی از نوع تجربی آن - دیگر معنای ماحصلی به دست نخواهد آورد.

شاید در اینجا یادآوری یک مطلب نیز برای خوانندگان خالی از فایده نباشد و آن اینکه هانری کربن، فیلسوف و شرق شناس فقید فرانسوی شاگرد مستقیم ژیلسون بوده و در کلاسهای او به مرور به اهمیت

فلسفه‌های اسلامی - ایرانی و تأثیر فوق‌العاده ابن‌سینا در قرون وسطای غربی پی برده و از این رهگذر با یادگیری زبانهای عربی و فارسی، عملاً سرنوشت علمی و فرهنگی خود را رقم زده است. آثار او خاصه برای فهم سنت‌های تفکر ایرانی حائز اهمیت فوق‌العاده است. کربن در مقدمه‌ای که برای کتاب «المشاعر» صدرا به زبان فرانسه نوشته^۱ با اشاره مستقیم به کتاب «وجود و ماهیت»^۲ ژیلسون، خواسته است با دقت در مطالب آن در جهت بهتر فهماندن گرایش «اصالت وجودی» صدرا به خوانندگان خارجی، راه جدیدی را پیدا کند.

منظور از این یادآوری، تأکید بر اهمیت ترجمه‌ای است که همکار جوان ما آقای دکتر سیدحمید طالب‌زاده، با دقت و علاقه فراوان تهیه کرده‌اند. ایشان حتی المقدور، ضمن وفاداری به متن اصلی و مراعات سبک خاص مؤلف در بیان مطالب، در مواردی نیز که به متفکران اسلامی اختصاص دارد، گاهی در حواشی صفحات، برداشت خاص مؤلف را، از لحاظ فنی و به نحو دقیق مورد استفاده قرار داده و مطالب زیاد آموزنده‌ای را شخصاً عنوان کرده‌اند که بسیار درخور است. از جمله مطالبی که در فصل سوم در مورد افکار ابن‌سینا در حاشیه‌های طولانی آورده شده نمایانگر تبصره و درایت خاص مترجم در فلسفه ابن‌سینا است که از ارزش انکار ناپذیری برخوردار است. در خاتمه ضمن تحسین برای کاری که مترجم محترم انجام داده‌اند، امیدوارم، متعاطیان جوان ما در رشته فلسفه، خاصه آنهایی که واقعاً استعداد و شهامت تحصیل در این رشته را دارند، بیش از پیش از محتوای کتابی که آماده شده، در جهت درست، استفاده نمایند که سیر در «هستی» از طریق «اندیشه فیلسوفان» برای

۱- این مقدمه را نگارنده به زبان فارسی ترجمه کرده است. (از انتشارات خردنامه صدرا

دوستاناران فلسفه نهایت تشویق خواهد بود که در واقع بی نیاز از تشویق به نوع دیگر هستند.

کریم مجتهدی

تهران ۸۴/۶/۲۶

www.ketab.ir